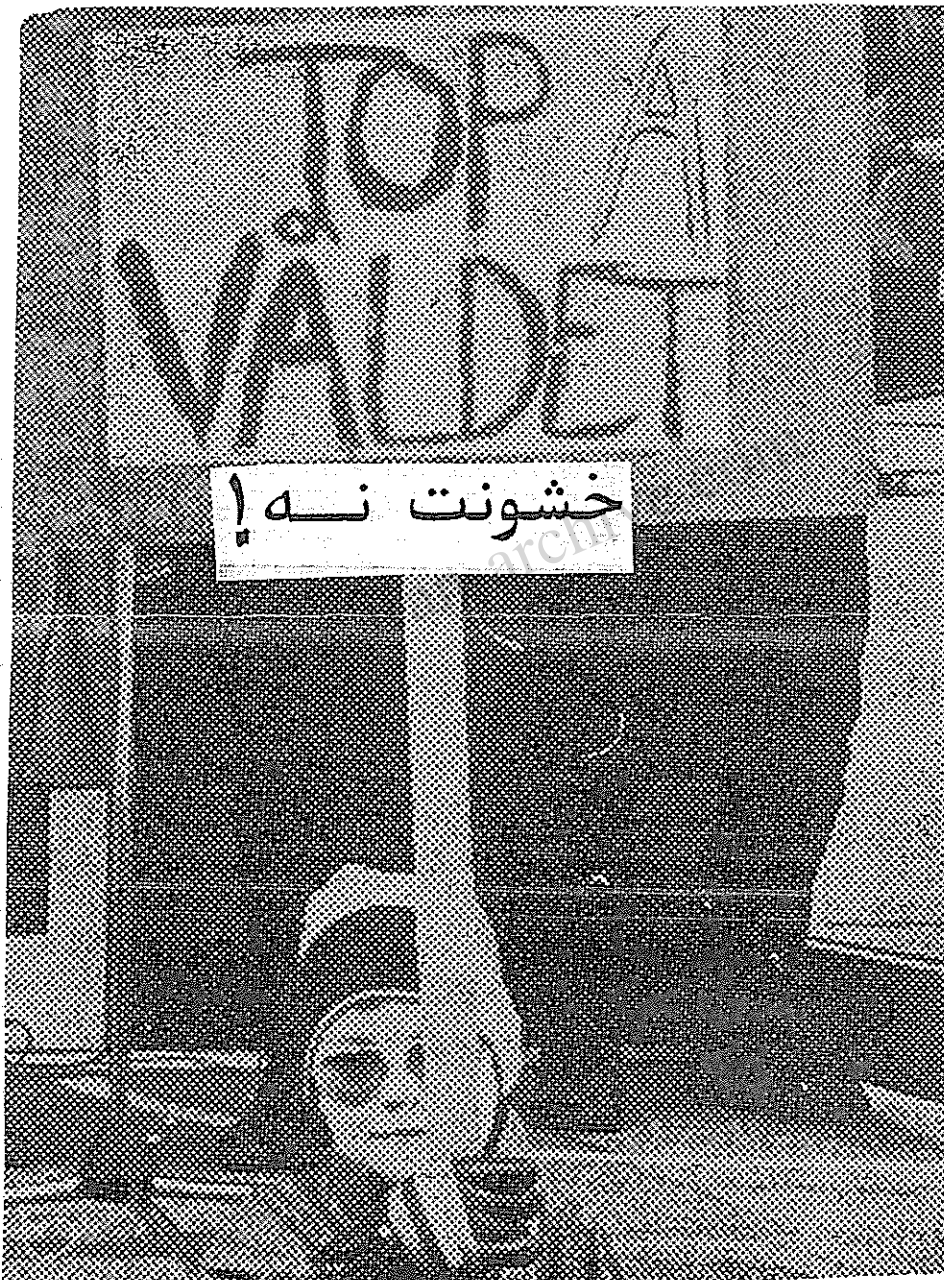


# تأزه یول

N°: 21  
feb1992

شماره ۲۱  
بهمن ۱۳۷۰

نشریه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی



خشونت نه!

\* و اینگونه گذشت.....  
\* چند خبر  
\* ایرکی آتا - بابالاری مئز  
\* از خاطرات

\* تشدید خشونت‌های نژادپرستانه در سوئد  
\* استقلال ترکمنستان مبارک باد  
\* درباره اتحاد و تفرقه  
\* ۱۳ سال گذشت  
\* گزارشی از نمایش ضد راسیستی

در ۶ ماهه اخیر اقدامات خشونت آمیز علیه پناهندگان و مهاجرین شدت بیسابقه‌ای در سوئد یافته است. طی اینمدت علاوه بر باتش کشیدن منازل و تخریب امکانات زندگی پناهندگان ۱۱ مورد حمله مسلحانه علیه مهاجرین و پناهندگان مقیم سوئد صورت گرفته است. این وقایع خارجی‌ان مقیم سوئد را در وحشت فرو برده است. پلیس سوئد تاکنون نتوانسته است جلوی این اقدامات خشونت‌بار را سد کند. حتی عاملین ترور پناهندگان ناشناس مانده‌اند. قاتل یا قاتلین هر وقت خواستند عملیات جنایتکارانه خود را علیه مهاجرین انجام‌دهند. هنوز هیچ نشانه‌ای در مورد این آدمکشان در دست پلیس نیست.

ضعف پلیس در مقابله با اقدامات خشونت آمیز و شناسایی عاملان آن موجب احساس عدم امنیت و وحشت خارجی‌ان گردیده است. تشدید خشونت‌های بیگانه ستیزان در سوئد مردم سوئد را وادار به تحرك سیاسی گسترده‌ای کرده است، سوئدی‌ها اقدامات خشونت‌بار علیه پناهندگان و خارجی‌ان را شدیداً محکوم کرده و با برپایی تظاهرات و گردهمایی‌ها همبستگی خود را با پناهندگان و مهاجرین اعلام میکنند. بسیاری از محافل سیاسی و اجتماعی، انجمنها کلیساها و تشکلهای صنفی و اجتماعی دیگر این اقدامات خشونت آمیز بیگانه ستیزان را اقدامی علیه خارجی‌ان تلقی نکرده، بلکه آنرا خطری علیه کل جامعه سوئد، علیه دموکراسی می‌شناسند. بسیاری از احزاب سیاسی سوئد که در پارلمان سوئد شرکت دارند، نسبت به خشونت‌های راسیستی اعلام موضع کرده و آنرا بشدت محکوم ساختند. و از دولت دست راستی حاکم خواستند که واکنش مناسب و قاطع در مقابله با این اقدامات از خود نشان دهند.

دولت کارل بیلد، تا این اواخر از موضع گیری رسمی و محکوم ساختن خشونت‌های راسیستی خودداری میکرد، ولی در اثر فشار مردم سوئد، احزاب سیاسی نظیر حزب مردم، حزب سوسیال دموکرات، حزب چپ و ۰۰۰ و نیز فشارهای پناهندگان، بتدریج شروع به موضع گیری کرد. شایان ذکر است که انجمنهای پناهندگان تصمیمی مبنی بر دست کشیدن از کار بمدت یکساعت در روز ۲۱ فوریه گرفته است. این تصمیم بعنوان اعتراضی علیه تشدید اقدامات خشونت آمیز راسیستی گرفته شده است. "کمیته ۲۱ فوریه" از کلیه پناهندگان و مهاجرین و مردم سوئد دعوت کرده است که در این حرکت شرکت نمایند.

بدنبال نمایشات اعتراضی، تظاهرات واتخاذ تصامیم و مواضع اعتراضی، کارل بیلد نخست وزیر دولت سوئد، اقدام به موضع‌گیری صریح کرد.

اکنون مسئله ممنوعیت احزاب و سازمانهای راسیست یکی از موضوعات جدی مورد بحث در پارلمان سوئد است. بسیاری از احزاب سیاسی سوئد که قبلاً مخالف ممنوعیت سازمانهای راسیستی بودند، اکنون با تشدید خشونت‌های راسیستی تغییر نظر داده و خواستار ممنوعیت فعالیت سازمانهای نژادپرست هستند. بجز حزب مودرات و حزب مردم، بقیه احزاب حاضر در پارلمان سوئد موافق ممنوعیت سازمانهای راسیستی میباشند.

حق اشتراك سالانه برای كورها  
اسكاندیناوی معادل ۱۲۰ كرو  
سوئد باضافه هزینه پست.  
حق اشتراك و ككهای مالی خود  
را به حساب زیر واريز نمایید:  
43-44 64-64

نشانی ما : Ze Yol  
Box: 217  
40 06 Gråbo  
Sweden

تأزیه یُول نشرینای است آزاد و به هیچ گروه، سازمان و حزب سیاسی وابستگی ندارد. و نیز تلاش میکند خوانندگان و علاقمندان را با فرهنگ و مسائل مردم ترکمن آشنا سازد.

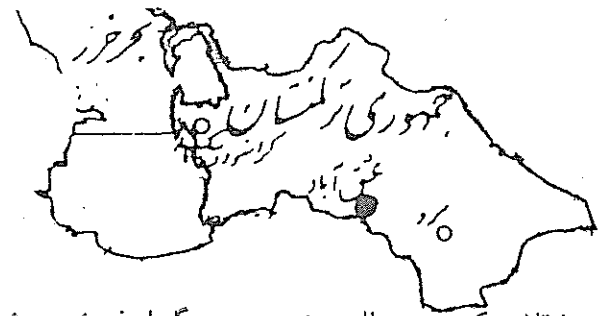
تأزیه یُول کوشش میکند پیرامون مسئله ملی و جنبش خلق ترکمن بحثهایی را دامن بزند، لذا کلیه خوانندگان و دوستان میتوانند مطالب و مقالات خود را به نشریه بفرستند.

\*مسئولیت مقالات با امضا بر عهده نویسندگان است و چاپ آنها لزوماً به معنی تأیید مواضع مطرحه نیست.

\*تأزیه یُول در کوتاه کردن و اصلاح مقالات رسیده آزاد است.

\*مطالب ارسالی حتی لامکان کوتاه و خوانا باشد.

\*مطالب رسیده پس فرستاده نمیشود.



انقلابی که چند سال پیش برهبری گرباچف شروع شد، به مرحله‌ای رسید که موجب نفی وجودی خودشوروی نیز گشت. آنگونه که بنظر میرسد برای رشد و ترقی و گسترش دموکراسی کاری غیر از اینهم نمیشد کرد. من فکر میکنم هر لحظه که دموکراسی (در شوروی) یا در کشورهای مشترک المنافع گسترش پیدا میکند به چیزهای تازهتری دست می‌یابد و با تحولات جدی و جدیدتری روبرو میشوند. من نمیخواهم بحث را روی این موضوع متمرکز کنم که آیا کشورهای مشترک المنافع با در نظر گرفتن این فاکت که دموکراسی در این کشورها هر روز گسترش چشمگیری پیدا میکند و مشکلات اقتصادی روزافزونتر میشود آیا به این صورت که امروز هستند باقی خواهند ماند و یا شکلهای جدیدتری پیدا خواهند کرد، قضاوت روی این موضوع باشد برای آینده. بحث اصلی من روی یکی از جمهوریهای مستقل کشورهای مشترک المنافع است که سالها در زیر چرخ دولتی بنام شوروی آرزین نهادهای وجودی خود را نیز داشت از دست میداد. جمهوری بنام ترکمنستان با مساحت ۴۴۸/۱۰ و با جمعیت ۰۳/۵۲۹/۰۰۰.

بعد از تقسیم سرزمین ترکمنها بوسیله تزار روسیه و شاه قاجار ایران طبق قرارداد آخال در حدود ۱۱۰ سال پیش ترکمنها به ترکمنهای شمالی و جنوبی تقسیم شدند، قسمت جنوبی ترکمنها تحت اسارت ایرانیها در آمد و قسمت شمالی آن جز استعمار روستیه قرار گرفت که این امپراطوری در آن زمان یکی از چند قدرت جهانی بود. این دو دولت با تمامی قدرت ازمرزهای جدیدالتاسیس خود دفاع کردند و حاکمیت خود را بر ترکمنهای شمالی و جنوبی با تمامی مقاومتهایی که ترکمنها میکردند، به مورد اجرا گذاشتند و بدین ترتیب مرزی که بوسیله شمشیر کشیده شده بود، رسمیت یافت و حاکمیت هر دو طرف با سرکوبی کامل ترکمنهای شمالی و جنوبی استحکام یافت. اما با گذشت زمان امپراطوری روسیه در بحران عمیقی فرو میرفت، فقر بر زندگی همه مردم روسیه سایه افکنده بود. اعتراضات محلی و سراسری امپراطوری را از پا در آورده بود که روسیه وارد جنگی سخت با آلمانها در سال ۱۹۱۴ گشت و جنگ جهانی اول با قطب بندی جهان برافروخته شد. آخرین لحظات جنگ اول جهانی بود که حاکمیت تزار روسیه سرنگون شد و لیبرالها به قدرت رسیدند و بزودی بوسیله کمونیستها حکومت لیبرالها نیز سرنگون شد و حاکمیت بلشویکها برهبری لنین در سال ۱۹۱۷ به قدرت نشست. با بقدرت رسیدن

بلشویکها حکومتهای محلی گوناگونی در روسیه تشکیل شد و شعار تمام قدرت بدست شوراها بر سراسر کشور طنین افکند. در همین گذر بود که در سال ۱۹۲۴ ترکمنستان که جز استعمار روسیه بود بعنوان جمهوری مستقل اعلام موجودیت کرد و حزب کمونیست ترکمنستان که جز حزب کمونیست سراسری بود قدرت را بدست گرفت.

ترکمنستان در سال ۱۹۲۴ از نظر شکل ساختار دولتی مستقل بود، دولت و مجلس قانونگذار و قانون اساسی و ... . لیکن مشکل جمهوری مستقل در شکل ساختاری نبود، بلکه این دولت نوبنیاد به چیزهای گرانمایهتری احتیاج داشت که در شوروی حکم کیمیا را داشت. حکومت نوبنیاد ترکمنستان بوسیله حزبی رهبری میشد که تمامی تاروپوشش به حزب کمونیست مرکزی وابسته بود و در چارچوب برنامه آنها حرکت میکرد. حزب کمونیست شوروی نیز حزبی بود که بوسیله دیکتاتوری پرولتاریا رهبری و اداره میشد و هیچوقت حزب و یا گروهی غیر از خود را اجازه فعالیت نمیداد. این بود که دولت نوبنیاد ترکمنستان از همان بدو تولد وابسته بدنیای آمد و حاکمان دیکتاتور چه ترکمن و چه روس بر ملت ترکمن بسا قداره حکومت کردند. من لازم نمی‌بینم روی این موضوع بحث کنم که در این هفتاد و چند سال بر ملت ترکمنستان چه گذشته، زیرا که خودشان و دیگران در روزنامهها بیشتر از آنچه که من میدانم گفتند. در هر صورت دوره اول استقلال ترکمنستان این چنین لگدمال شد و امیدهای مردم برای رهایی که با انقلاب بلشویکها شعلهور شده بود لگدمال و به شدیدترین شکل سرکوب گشت، اما دوره جدید استقلال ترکمنستان که ۲۷ اکتبر ۱۹۹۱ اعلام شد از ویژگیهایی با دوره اول فرق دارد و لگدمال شدن استقلال دوره اول تجربه‌هایی را به مردم ترکمنستان آموخته که امروز با بکار بستن آن میشود از استقلال خود دفاع کرد و آنرا تثبیت نمود. در اینجا لازم است روی موضوعاتی تاکید داشت. استقلال ترکمنستان خودبخود موهبت بسیار بزرگی است که امید و آرزوی چند دهه ترکمنها به گل نشسته است. ترکمنهای شمالی با ۹۷٪ رای خود ثابت کردند که استقلال جان دیرینهای بوده در وجود آنان. ما با تمامی کاستیهایی که دولت ترکمنستان امروز دارد، استقلال بدست آمده را گرامی میداریم و در جهت تثبیت آن نهایت همیاری را خواهیم کرد. من اعتقاد بر این دارم که ترکمنستان مستقل مایه امید و تکیهگاه مطمئن برای ترکمنهای سراسر جهان خواهد بود. پرچم ترکمنستان مستقل در میان پرچمهای سراسر دنیا در سازمان ملل متحد پرچم غرور همه ترکمنها خواهد بود. ترکمنهای جنوبی با ترکمنستان شمالی خود را تنی واحد میدانند هنوز نیز این احساس را از دست ندادند که ۱۱۰ سال پیش شمشیری آنها را به دو نصف کرده است. روزی خواهد رسید و آن روز دیر نیست که این زخم مرحوم خواهد شد.

احترام به حقوق توده‌ها، کاری از پیش نخواهد رفت. اکثرین امید تمامی ترکمنهای سراسر دنیا بسوی ترکمنستان است. روش زندگی شما و رشد و ترقی شما و پیشرفت دمکراتیک شما مایه امید می خواهد بود برای همه ما. من فکر میکنم بعد از بدست آوردن استقلال که امروز همه دنیا استقلال ترکمنستان را برسمیت شناخته باید برای استحکام آن بسوی نهادی کردن دمکراسی بسیار کوشش کرد تا سایه شوم دیکتاتوری ۷۰ ساله بتدریج از ریح و زندگی مردم زدوده شود و مردم ترکمنستان به هویت مستقل خود دست یابند. در این چنین شرایط است که مردم میتوانند دست در دست هم بسوی ساختن کشور خود پیش روند و از علم و توانایی خود بهره جویند. مسئله دمکراسی در استحکام استقلال امری حیاتی است. دمکراسی برای کشور مستقلی که میخواهد رشد کند و مردم مین خود را از زندگی انسانی برخوردار نماید، حکم جانی در تن سالم میباشد. دقت در این امر دقت روی ریشهای ترین مسئله میباشد. واضح مثبت و مستولانه به این مسئله پاسخ پایداری است به استقلال و تضمین بسیار معتبر برای رشد و ترقی.

#### قسمت دوم: اقتصاد

مشکل اقتصادی و بحران روزافزون، قسمت دوم مسئله است. جمهوری ترکمنستان نیز همانند دیگر جمهوریهای نواستقلال یافته شوروی سابق با بحران عظیم اقتصادی روبروست. ترکمنستان با وجود عقبماندگیهای تکنیکی در عرصه کشاورزی و با بدتر شدن شکل سازماندهی کار در شوروی دومین جمهوری تولید کننده بنه بود. اما این مقام برای ترکمنستان همراه با ضررهای فوق العاده سنگین همراه بوده است. امروز معلوم گشته، سطح زمینهای قابل کشت ترکمنستان بشدت کاهش یافته است. کشت دائمی پنبه پتانسیل زمین را به نابودی کشانده و از درصد حاصلخیزی آن به مراتب کاسته است. جمهوری ترکمنستان فعلا تنها تکیه گاه آن که بعنوان اصلی ترین تکیه گاه آن نیز میباشد گاز و نفت و بسوی میباشد که سازماندهی بد میتواند این کشور را بسوی استقلال محصولیت بکشاند و در کوتاه مدت کمبود ارزاق عمومی کشور را به فاجعه تبدیل کرده و در دراز مدت کشور را از کار خواهد انداخت. رهبران جمهوری قبل از اینکه کشور بسوی فاجعه کشیده شود، برنامههای اقتصادی خود را باید به بحث عمومی بکشاند تا بتواند از بحثهای گسترده مردم و صاحب نظران اقتصاد هم برنامه اقتصادی کوتاه مدت که نیازهای روزمره توده‌هاست از دل آن بیرون آید و هم برنامههای درازمدت که اقتصاد آیند مملکت را سازماندهی کند. تنها راه پیشرفت گام گذاشتن به راه رشد صنعتی کشور میباشد. در این رابطه هر کشوری که میخواهد کمک کند باید از آن یاری گرفت. در این شرایط بس دشوار بحرانی، شرایطی که بیشتر به شرایط بعد از جنگ شبیه است در سریعترین فرصت باید ب فکر رفع مشکل مایحتاج روزمره مردم بود. غفلت در جوابگویی به خواستههای مردم کار را صد چندین دشار خواهد کرد.

و زخمها التیام خواهند یافت. اما چگونه میشود از استقلال ترکمنستان دفاع کرد و استقلال آنرا استحکام بخشید. بنظر من قبل از هر چیز برای دفاع از خود، باید ضعفها و علل ضعفهای خود را دریابیم تا بتوانیم به استقلال بدست آمده یاری رسانیم. همانگونه که قبلا هم اشاره رفت ۷۰ سال دیکتاتوری به پایههای اصلی زندگی مادی و معنوی مردم ضربه های اصلی و جدی وارد کرده است. ۷۰ سال از نظر زمان برای يك ملت مدت کوتاهی نیست. امروز تقریبا میشود گفت ۹۷٪ مردم ترکمنستان نسل بعد از ۷۰ سال است که با سیستم دیکتاتوری بزرگ شده‌اند. در این هفتاد سال دستگاه مرکزی تمامی تلاش خود را بکار بسته که مردم را از سیاست و دخالت در سرنوشت خود بدور نگه دارد و در اینکار موفق بوده است. با دیدن این واقعیت بنظر میرسد که استقلال بدست آمده بدون کاستیهای جدی نخواهد بود. اما شناخت این کاستیها امری بسیار مهم میباشد که بنظر من امروز این کاستیها را میشود به دو قسمت اصلی تقسیم کرد که این دو قسمت با تمام وجود به همدیگر مربوط و وابسته میباشد.

#### قسمت اول: دمکراسی

مسئله دمکراسی، مسئله سیاسی است که امروز يك مشکل جدی در ترکمنستان میباشد. در جمهوری ترکمنستان هنوز احزاب دمکراتیک اجازه فعالیت ندارند و یا برای آنها شرط و شروطی از جانب دولت طرح میشود که در هر شرایطی خارج از عقل سلیم است. در کشوری مستقل اگر باز بخواهند کشور را بوسیله يك حزب، آنها هم حزبی که ۷۰ و چند سال در مردم نسبت بخود نفرت ایجاد کرده، اداره و رهبری کنند این کشور نمیتواند بیشتر از پاکستان و یا دیگر کشورهای مستقل با حاکمان محکوم باشد جمهوری ترکمنستان برای استحکام و تثبیت هر چه بیشتر استقلال خود باید چند حزبیت را رواج دهد و بعنوان کانون اجتماعی آنرا در عمل تثبیت نماید. رهبران ترکمنستان و دولت مردان آن باید به این واقعیت اجتماعی واقف شوند و گرنه استقلال موجود را در زیر چکمههای خود له خواهند کرد. مسئله دمکراسی و رابطه مردم با دولت خود درست سایه بسه سایه مشکل اقتصادی طرح میباشد. رهبران جمهوری ترکمنستان و مردم پاك آن دیار از استقلال شکست خورده سالهای ۱۹۲۴ درسهای واقعا با ارزش استخراج نمایند. دقیقا در خاطر داشته باشند که مهمترین چیزی که استقلال ترکمنستان را در آن دوره لگدمال کرد و آنرا بشکل جمهوری مسخ شده در آورد، دیکتاتوری تمام عیار بود. این درس بزرگ کافی است برای کسانی که میخواهند از گذشته خود پند بگیرند. امروز نیاز مبرم ترکمنستان آزادی احزاب و نهادی شدن دمکراسی میباشد. بگذارید همه گروهها حق داشته باشند از ایدههای خود دفاع کنند و حق داشته باشند به مردم خود آنچه که در توان دارند کمک رسانند. وجود احزاب متعدد تضمین کننده استحکام پایه های جمهوری مستقل خواهد بود. بدون آزادی احزاب و بدون

مجموعه نیروهای ترکمن که امروز در خارج از کشور بسر میبرند بی پر از فراز و نشیب را پشت سر نهاده‌اند. طی ۱۳ سال قیثها و شکستهای بسیاری را دیده و خوشیها و سختیهای نانی را چشیده‌اند. در نگرش به پدیده‌ها و مناسبات گاه تا حد اط و گاه تا مرز تفریط پیش رفتیم. اشتباه کم نکردیم. اکثریت اشتباهاتمان را نه از روی قصد و نیت بد، بلکه از روی آرزو امیال نیک انجام دادیم. امروز کوله بار ما پر از تجاربمتنوع است. تجاری که آمیخته با خون و باروت، اشک و ماتم، درد و فراوان است و سهل بدست نیامده‌اند.

مجموعه این تجارب ما امروز با تحولات شگرف و تاریخی جهان پیوند می‌یابند. تحولاتی که حتی موقعیتهای ژئوپلیتیکی جغرافیایی جهان را بهم زده است. ما امروز شاهد تحولاتی پهنه گیتی و بیخ گوشمان هستیم. که درسهای فراوانی برای ما و آینده دارد. طبعاً هر يك از ما بنا به وسع و ظرفیت خود برداشتها و درسهایی از این رخدادها گرفتیم.

اینهمه در شرایطی است که مجموعه نیروهای ترکمن دروضعیتی ایکنده و متفرق بسر میبرند. همه بر این واقعیت بعنوان دیده‌ای منفی انگشت می‌گذارند و بنوعی و بشکلی از این پدیده نچ میبرند و خواهان خاتمه این وضعیت هستند. هر يك یا بند نوری در گروهها و محافل تلاش می‌ورزد که هر چه سریعتر روند تفرقه و پراکندگی پایان ببخشند. تاکنون طرحها پیشنهاداتی نیز در راستای امر فوق ارائه کرده‌اند. متأسفانه اکنون هیچیک از پیشنهادات آنچنان که امید میرفت، به ثمر نشسته است.

واقعاً چه سان میتوانیم گامی به پیش و عملی در مسیر غلبه بر پراکندگی برداریم؟ درد پراکندگی را ظاهراً همه ما میشناسیم. بی ریشه درد در کجاست و چگونه میتوان بر آن مرحم گذاشت تا اگر نه یکباره، بلکه اگر شده بتدریج از درد پراکندگی کاسته شود و راههایی بسوی همگامی و اتحاد عمل گشوده گردد.

پیشنهاداتی که تاکنون ارائه گردیده، علیرغم نیت خیر طراحان آن، همانگونه که قبلتر نیز ذکر شد هیچیک نتوانسته است گامی به پیش در حل مشکل باشد. علت عدم کارایی این پیشنهادات، را میتوان در نکات زیر دانست:

۱- کلی بودن: مجموعه طرحهای پیشنهادی برای اتحاد و نزدیکی نیروهای ترکمن، کلی هستند. هر چند برخی نظیر نشریه "ترکمنستان" تلاشهایی در جهت مشخصتر کردن پیشنهادات مطروحه خود بعمل آورده، لیکن در تحلیل نهایی نتوانسته است این ایراد را برطرف نماید.

۲- مشخص نبودن هدف: کلیه پیشنهادات مکتوبه و یا نظرات شفاهی نکتهای که تقریباً بطور مطلق تاکید دارند امر وحدت و اتحاد است. از مجموعه پیشنهادات چنین بر میآید که گویا هدف اصلی و عمده آنها اتحاد است و لاغیر. حال آنکه خود

مقوله اتحاد بر اساس اهداف و منظوره‌های مشخصی صورت میگیرد. بدون اینکه موضوعات و اهداف کنفرانسها، کنگره ها و نشستهای پیشنهادی بطور مشخص روشن نگردد، سخن از اتحاد راندن مشکل گشا نخواهد بود. کلیه گروههای اجتماعی و سیاسی حول خواستها و نیازهای مشخصی که توافق دارند پیمان اتحاد می‌بندند. حال ممکن است برخی از آنها موقتی و بعضی پایدار و مستمر باشد. در این رابطه بد نیست باز به طرح پیشنهادی نشریه "ترکمنستان" اشاره کنیم که اعلام کرده است "هم پیرامون چیزی که می‌خواهیم و هم حول آن چیزهایی که نمی‌خواهیم حاضریم وحدت کنیم." این موضع يك گام مثبت به پیش است ولی متأسفانه آن چیزهایی که می‌خواهیم و نمی‌خواهیم نمی‌خواهیم معلوم نیست.

۳- غیر عملی بودن: پیشنهادات مطروحه علاوه بر دو اشکال فوق، هیچ راه عملی نیز به مخاطبان ارائه ندادند. مثلاً پیشنهاد می‌گردد که "کنفرانس سراسری" برگزار گردد، ولی اصلاً معلوم نیست که چگونه می‌خواهد آغاز، توسط چه کسانی خواهد پیش برود و از نظر اجرایی و تدارکاتی چه کسانی و چگونه می‌خواهند آنرا برگزار کنند و...

۴- مبهم بودن: مخاطب پیشنهادات کنفرانس سراسری و کنگره و... مبهم است. گاه بنظر میرسد که پیشنهاد کنندگان قصد نشستی با هواداران و نیروهای متعلق به گروه خود می‌خواهد بنشینند و پایه‌های اتحاد گروهی را تحکیم کند و گاه بنظر میرسد که مسئله فراتر از آن است و پیشنهاد به مجموعه نیروهای ترکمن ارائه گردیده است.

۵- مشخص نبودن وظیفه: پیشنهادات مطروحه، وظیفهای که برای خود قائلند را در پرده ابهام قرار داده است. بعضاً اجلاس مشورتی از آن برداشت میشود و گاه بنظر میرسد که وظیفه تاریخی برای خود قائل است و ظاهراً می‌خواهد همه مشکلات را حل کند و بعضاً نیز اینگونه استناد میشود که وظیفه کنفرانس سراسری ایجاد تشکیلات قوی و یکپارچه ترکمنی است. و خیلی ها نیز تصور احیا "کانون" را از وظایف آن میدانند. بالاخره مشخص نیست که کدام وظیفه بطور اصلی مورد نظر است.

### واقعیات موجود:

مجموعه نیروهای ترکمن در چند سال اخیر درگیر بحرانی همه جانبه بودند. روند این بحران و تأثیرات آن بر نیروها موجب شکل گیری گروهها و محافل ونهادهای مختلفی گردید. و خیلی از نیروها نیز از امر سیاسی و فعالیت سیاسی و بطور سیاست گریزان شدند. و در واقع بنوعی از بی تفاوتی سیاسی گرایش پیدا کردند. البته معدودی نیز ضمن گریز از سیاست به فعالیت فرهنگی و ادبی پرداختند و کارهای خود را از این

طریق ارائه دادند.

موضوع دیدارها و اجلاس بر اساس اتفاق آرا تعیین گردد. چنانچه پیرامون موضوع یا موضوعاتی جهت بحث اختلاف نظر باشد، بهتر آنستکه به بعد موکول گردد. طبیعی است موضوع فوق در درون گروه و یا گروههای پیشنهاد کننده مورد بحث قرار گیرد. رعایت این نکته تداوم اجلاسها و دیدارها را ممکن میسازد.

هر يك از شرکت کنندگان در اجلاس صرفنظر از کمیته گروهی و محفلی و غیره دارای يك رای هستند. تصمیم گیریهای اجلاس بر اساس اکثریت و اقلیت صورت میگیرد. به همراه نظر اجلاس (اکثریت) نظر اقلیت اجلاس نیز به اطلاع افکار عمومی رسانده میشود.

در صورت امکان اجلاس میتواند نشریه مشترکی جهت اعلام تصمیم و بحثهای خود منتشر کند. در این نشریه میتوان حول موضوعات مورد بحث اجلاس نظرات مختلف را منعکس کرد.

طبیعی است که انتشار نشریه مشترک به معنای عدم انتشار نشریه گروهی نیست. هر گروهی حق دارد که به ادامه انتشار نشریه اش ادامه دهد. نشریه مشترک هیچ تباینی با نشریه يك گروه ندارد. و هیچ شرطی برای آن محسوب نمیشود.

نمایندگان گروهها را خود هر گروه تعیین میکند و در این مورد هیچ پیش شرطی وجود ندارد. شخصیتهای منفرد نیز بنا به تصمیم و اراده خود بطور داوطلبانه در اجلاس شرکت میکنند. هر يك از شرکت کنندگان در اجلاس مادامکه عدم شرکت خود را رسماً اعلام نکرده باشد، عضو اجلاس محسوب خواهند شد.

#### موضوعات:

موضوعاتی که اجلاسهای نمایندگان گروههای سیاسی و شخصیتهای منفرد میتواند مورد بحث قرار دهد، متنوع است. و بستگی به خود آنها دارد که چه موضوعاتی را در دستور قرار میدهند. در اینجا برخی از مسائلی که بنظر من اهمیت بیشتری دارند را عنوان میکنم:

#### سیاسی:

۱- خط مشی سیاسی: این موضوع بطور مستقیم و مشخصی با نحوه برخورد با ج.ا.ارتباط پیدا میکند، و اینکه چه سیاستی در قبال آن باید اتخاذ گردد. همانگونه که شاهدیم در طیف اپوزیسیون رژیم در تحلیل نهایی بیش از دو مشی سیاسی وجود ندارد. یکی مشی سرنگونی است و دومی مشی انتخابات آزاد. موضوع مشی سیاسی بنظر من یکی از اساسیترین مسائل است که ضرورت بحث و تبادل نظر آن فیما بین نیروهای ترکمن بنظر میرسد.

۲- تغییر و تحولات اخیر بین المللی خاصه فروپاشی اتحاد شوروی و شکل گیری دولتهای مستقل، در این رابطه بویژه شکل گیری جمهوری مستقل ترکمنستان.

طبق واقعیات و شواهد موجود، نیروهای ترکمن در تشکلهای سیاسی و فرهنگی و یا بطور منفرد تلاش کرده و میکنند. امروز اکثر این نیروها در دفاع از دموکراسی، آزادی، استقلال (ملی) پلورالیسم و کثرت گرایی، حقوق بشر، اوپانیسم و صلح نظرات همسویی ارائه میدهند. در عین حال استبداد، وابستگی مارکسیسم - اینیسیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، حزبیت طراز لنینی، تنگ نظری و خودمحور بینی، انحصار طلبی و قیام مآبی را رد میکنند.

همه ما در مقالات و بحثها بشدت از دموکراسی و آزادی، استقلال دفاع میکنیم. خود محور بینی و انحصار طلبی را بشدت رد مینمائیم و گاه اتفاق می افتد که گویا مستقل ترین و دمکرات ترین آدمها و جریانها هستیم و دیگران هنوز خرده شیشه تنگ نظری و خود محور بینی را حمل میکنند. خلاصه کنم، همه در حرف از استقلال و دموکراسی و غیره ذلك طرفداری میکنیم. بنظر من این واقعیت گام جدی در راه اقدامات جدیتر است. ولی هنوز تنها در حرف است. اگر واقعا به اندیشههای مطروحه باور داریم، بایستی پای بندی بدان را در عمل نشان دهیم. بقول معروف "معیار حقیقت، عمل است" اینکه این حرفها تا چه حد حقیقت دارد باید در عمل دید.

تبادل نظر منظم:

برای اینکه اعتقادات و اندیشههای خود را بیکدیگر روشنتر و واضحتر تفهیم کنیم و زمینههای درک و تفاهم متقابل هرچه واقعیتر و بیشتر فراهم گردد، میتوان در نشریات موجود نظرات و مواضع خود را نوشت و اعلام کرد و یا در تجمعات بحثهای سازنده را پیش برد. کما اینکه اینکارها با شدت و ضعف جریان دارد. ولی برای اینکه کمکی در جهت کاستن از تفرقه، پراکندگی کرده باشیم، بی مناسب نیست که دیدارها و نشستهای منظم و مرتب در جهت تبادل نظر و بحث و ایجاد همگرایی در میان نمایندگان گروههای مختلف و شخصیتهای منفرد ترکمن برگزار گردد. البته دیدارها و نشست میان نیروها و گروهها صورت میگیرد، ولی این امر تاکنون بطور منظم، فراگیر و هدفمند نبوده است. بنظر من این دیدارها و نشستها بشکل منظم و هدفمند و تا حد امکان فراگیر بایستی برگزار گردند. انجام این امر کمک بزرگی به درک و برداشت واقعی از یکدیگر، شناخت بهتر و نشان دادن دموکراسی و سعه صدر در عمل یاری میرساند.

نمایندگان گروههای موجود در شخصیتهای منفرد ترکمن جهت بحث و تبادل نظر اجلاسهای منظم برگزار کنند، بایستی موضوع اجلاسها را مشخص نمایند. در مواردی که اشتراك نظر وجود دارد و تصمیم مشترک گرفته میشود بهتر خواهد بود که امکانات اجرایی آن نیز بطور واقعی سنجیده شود.

تجاری که به قیمت خون شهیدان، رنج زندانیان و تبعیدیان و آوارگان، درد مادران، آه بیومگان و اشک یتیمان و... بدست آمده است. جنبش دور جدید خود را خاصه در داخل بدور از هیاهو و شعار با متانت و متناسب با شرایط موجود حرکت میکند و مطالبات روزمره، خواستهای فرهنگی، اجتماعی، استقلال، دموکراسی و قانونیت را هدف خود قرار داده است.

\* ۱۳ سال از انقلاب بهمن میگذرد. انقلابی که بلحاظ حضور و شرکت مردم، در تاریخ معاصر ایران بی نظیر است. مردمیکه انقلاب کردند، علیه نظام دیکتاتوری شاه بپا خاستند و بهبود زندگی، شرایط بهتر و آزادی بیشتر میخواستند. وارثان انقلاب بعد از طی ۱۳ سال از انقلاب بهمن مدعی هستند که جامعه ایران را در مسیر ترقی و زندگی مردم را

در جهت بهتر شدن هدایت کرده و میکنند ولی این ادعا با واقعیتهای امروزین جامعه ایران و تغییرات ۱۳ ساله بسیار فاصله دارد. و بطور کامل بدور از واقعیت است. جامعه ایران طی این مدت در همه ابعاد عقبتر رفته است. واقعیات تلخ امروزین نیازمند تحولی دیگر است. تحولی که جامعه را دستکم در مسیر جوامع متمدن و پیشرفته بشری سوق دهد.

\* \* \* \* \*

\* ۱۳ سال از تولد دوباره جنبش دمکراتیک و ملی ملت ترکمن میگذرد. این جنبش بعد از سالیان نهار رخسوت و پراکندگی را از تن بدر کرد و در بهمن ماه ۱۳۵۷ جانی تازه یافت. و همزمان با روند اعتلایی خود نهادهای متناسب با وضعیت روز و اشکال حرکتی ضرور را پیدا کرد و نقطه عطفی در تاریخ

ملت ترکمن رقم زد. جنبش رو به آینده داشت، ولی حاکمیتی که از دل انقلاب بهمن در تهران استقرار یافت، چشم به گذشته، به گذشته دور داشت. از اینرو نمیتوانست جنبش ملی و دمکراتیک ترکمن را تحمل کند. در ظرف کمتر از یکسال دو جنگ را بر ملت ترکمن تحمیل کرد و با شدت هر چه ممکن سرکوب مردم و سازمانگران جنبش ملت ترکمن پرداخت. افسوس واپسگرایان بنیادگرا در سرکوب و سد کردن جنبش مردم فائق شدند. طی این ۱۳ سال جنبش مردم ترکمن از حرکت باز نایستاد. در داخل و خارج دنبال اشکال مناسب و متکی به تجارب تلخ را پی گرفت.

### از خاطرات

روزهای بعد از جنگ دوم گنبد بود. تصمیم گرفته بودیم که به روستاهای منطقه فعالیت خود در دوره فعالیت علنی ستاد برگردیم. همچنان در میان مردم و با مردم باشیم. تصمیم گرفته بودیم در جالیکه جنبش مرکز فعالیت علنی خود یعنی ستاد و کانون را در هجوم ج ۱۰ از دست داده بود، با انرژی و توان بیشتری و با الهام از شهیدان جنبش ملت ترکمن در خدمت این جنبش باشیم. گروه ما از جمله شهدا انین و هالی با عزمی جزم به منطقه کلاله برگشتیم. در آن سال در منطقه کلاله زمستان بسیار سخت و پربرفی بود. ما گونیهای پر از اعلامیههای ستاد، کانون و سازمان فدائیان را از مرکز پخش، در یکی از روستاهای بین کلاله و گنبد، میگرفتیم. و هر روز صبح زود بعد از چای و نان در آن زمستان سرد و یخبندان با خورجینی

و اینگونه...

پیرمرد پس از اندکی تامل گفت:

— زمان شاه مثل اینکه بهتر بود. لااقل جنگ نبود و مردم آسایش بیشتری داشتند. اینطور نیست؟

— استش آن موقع هم آگچه جنگ نند،

پیر از اعلامیه با چوپای آبی رنگ روستا به روستا میرفتیم. بارها اتفاق افتاد مجبور بودیم مسیری را بنا به دلایلی پیاده طی کنیم. با خورجینهای پر از اعلامیه بر گردن و اسلحه به کمر از کمرکش کوهها و تپهها میگذشتیم. در زمین شخم خورده و خیس شده. در باران که در هر قدم چکه ها تا نصف در آن فرو میرفت، به روستاهای و نزد مردم و سوزها و به اجلاسهای اتحادیههای روستایی میرفتیم. مادام که در آغوش ملت خود بودیم، نه خستگی را احساس میکردیم و نه سرمای استخوان سوز زمستان را.

روزی در منطقه مجاور، اتحادیه روستایی جلسه خود را برگزار مینمود و دوستان ما در آن منطقه نمیتوانستند در این جلسه شرکت کنند. برگزاری این جلسه و شرکت ما در آن در این شرایط مشخص

ولی فقر بود و اقلیتهای ملی و مذهبی همچون ترکمنها، کردها، عربها و... همه تحت ستم شدید بودند و روزگار چندان خوشی نداشتند. پیرمرد آهی از ته دل کشید و گفت:

— استش آن موقع هم آگچه جنگ نند،

ضروری بنظر میآید. بعد از صحبت و تبادل نظر قرار شد که دو نفر دیگر از دوستان به این جلسه بروند. در این جلسه اتحادیه نمایندگان ۱۲ شورای روستایی شرکت داشتند. آن جلسه از عصر تا نیمه های شب ادامه داشت. بعد از اتمام جلسه اتحادیه دوستان ما بنا به مسائل امنیتی تصمیم گرفته بودند در آن روستا نمانند، ساعت حدودا ۲ بعد از نیمه شب آنها از آن روستا به روستای دیگر حرکت میکنند. در جاده روستایی در محلی که نزدیک تپه ای بود، اتفاقی افتاد که نباید می افتاد. آنها در آن روستا نماندند تا در دام خفاشان خون آشام نیفتند، اما بپای خود بدامی که نگهبانان تاریکی و ظلم افکنده بودند، افتادند.

عبیدی

کردناند و مرز کشیدند. برادر بزرگترم قربان مراد به ایران رفت و ما در اینجا ماندیم و از آنموقع تا بحال هیچ خبری از او نداریم. مادر بیچاره مان حسرت دیدن پسرش بدلش ماند، ولی بی آنکه او را ببیند

در ماه ژانویه نمایش ضد نژادپرستی در کتابخانه لروم برگزار گردید. این نمایش به ابتکار اداره مهاجرین کمون لروم ترتیب داده شده بود.

این نمایش که با هدف ضد راسیستی برپا و همبستگی ملل مختلف برپا شده بود، بدین منظور خانم "اینگرید سهگستد ویبیری" یکی از مبارزین کهنسال که سالهای بسیار علیه فاشیسم و نژادپرستی مبارزه کرده، بانجاعت شده بود، در همین راستا پناهندگان مقیم این کمون نیز در جهت ایجاد رابطه نزدیکتر

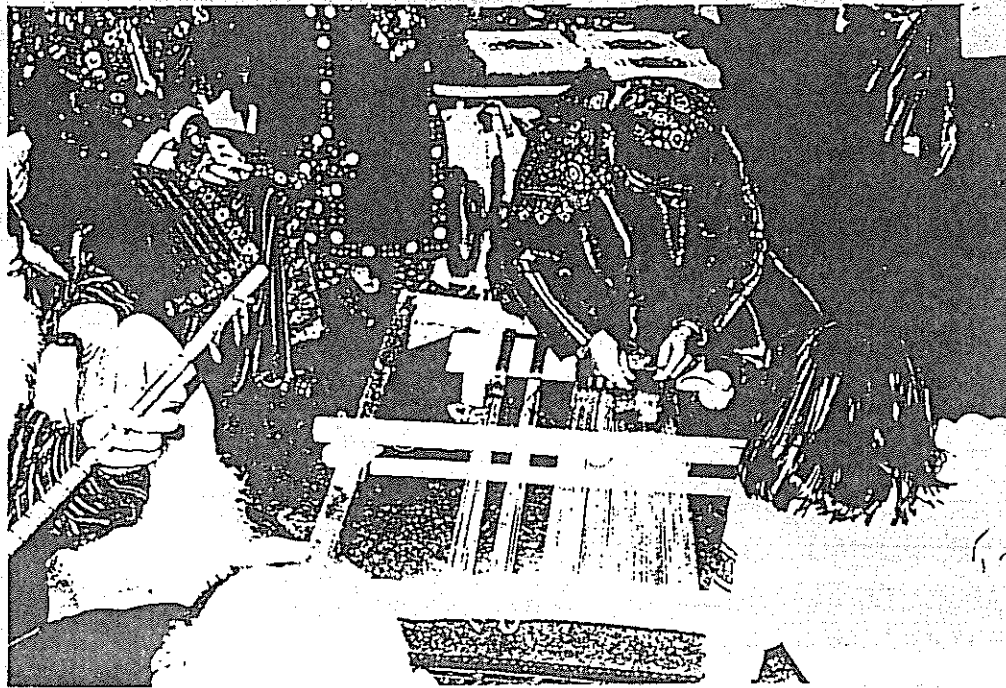
با سوئدیها از طریق فرهنگی، غرفه هایی را برپا کرده بودند.

نمایش با تئاتر کوتاه کودکان ایرانی بنام "شیری که دمش را گم کرده بود"، آغاز شد. آنگاه هلنا رئیس اداره مهاجرین کمون لروم سخنانی در تقبیح راسیسم ایراد کرد و سپس خانم ویبیری بطور مفصل درباره فاشیسم، نژادپرستی و بیگانه ستیزی ستیزی سخنرانی کرد. وی به برخی از تجارب خود در ادوار مختلف اشاره کرد و خاطراتی از جنگ جهانی دوم و از تجارب اخیر خود سخن گفت.

شرکت کنندگان بعد از پایان سخنرانیها از غرفه های موجود دیدن کردند. یکی از این غرفه ها توسط انجمن فرهنگی ترکمنهای مقیم کمون لروم دایر شده بود که در آن لباسهای ملی و سنتی، آلات موسیقی و زیور آلات و نمونه های قالی ترکمن جای داده شده بود. نکته برجسته این غرفه این بود که یکی از نوازندگان آماتور ترکمن بطور زنده دوتار نواخته و توجه بازدید کنندگان را بخود جلب کرده بود.



"دوتار زن ترکمن در حال نواختن "دوتار"



زن ترکمن در حال نشان دادن نحوه قالیبافی



## اعلامیه انجمنهای فرهنگی ترکمنهای سوئد

هموطنان ارجمند!

چندی است موج مخالفت با بیگانگان و مهاجران ابعاد گسترده‌ای یافته و اوضاع اجتماعی - سیاسی کشور پادشاهی سوئد را به تشنج کشیده و دموکراسی و رعایت حقوق انسانی را در این کشور شدیداً مورد تهدید قرار میدهد. بطوریکه بر اساس اخبار و گزارشات روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی در این کشور تنها در طول یکماه ۱۱ مورد سوئد به جان پناهندگان با استفاده از اسلحه‌های گرم و آلات قتاله همانند تیر و گرز و... صورت پذیرفته که باعث قتل و یا نقص عضو گردیدن قربانیان شده است. در طول این چند ماه سوئد سینه‌ها، دستجات شبه فاشیستی ارتجاع را مستقیم شوره و صلح و بنا استفاده از روش و ماسک به تظاهرات انسانی علیه خارجی‌ها می‌دارند. تظاهراتی که شرکت کنندگان آنرا فقط راسیستهای

سوئدی تشکیل میدهند.

ادامه این چنین وضعیت و اقدامات تروریستی بر علیه مهاجرین نمیتواند بسا شئون انسانی و مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر مطابقت داشته باشد، کما اینکه مردم صلحدوست سوئد، احزاب مترقی و عدالتخواه در این کشور، پارلمان و مقامات قضائی و اجرائی در اشکال متفاوت مخالفت خود را با حرکت‌های راسیستی و بیگانه ستیزی نشان میدهند. در مقابله با تهاجم فعلی و حرکت های بیگانه ستیزی و اقدامات جنایتکارانه آنان، سازمانها و انجمنهای دفاع از بیگانگان (از خارجی‌ها و سوئدی‌ها) تصمیم گرفتند که روز جمعه ۲۱ فوریه ۹۲ بین ساعت ۱۰ الی ۱۱ صبح در هر جایی که هستند دست از کار کشیده و به این شکل همدردی خود را با آسیب دیدگان نمایش بکنارند. در شهر یوتوبوری انجمنهای

فرهنگی ملتهای مختلف در این شهر در همین روز در ساعت ۱۸/۳۰ عصر در محل بورس پارک در راهپیمایی اعتراضی آمیز شرکت مینمایند. انجمن فرهنگی ترکمن های مقیم یوتوبوری و لروم در جهت همدردی و همراهی با پناهندگان و برای نشان دادن انزجار از اقدامات ضد بشری راسیستها از برادران و خواهران ترکمن در این مناطق بشرکت فعالانه دعوت مینمایند.

انجمن فرهنگی ترکمنهای

مقیم لروم و یوتوبوری

۹۲/۲/۱۶



صحنه‌ای از تظاهرات ضد راسیستی مردم سوئد



کدکک. اداک دجال احاء، "شبه، که دش، ا، کم کدمود"

## واینگونه گذشت قسمت چهارم

پاسی از شب گذشته بود و سکوت و تاریکی بر پادگان نظامی "قاری قالا" سایه افکنده بود. گویی همه در خواب رفته بودند. سربازها، افسران و تمام پادگان ساکت بود. شب خوابشان کرده بود، ولی بعضی‌ها هم بیدار بودند. آنهایی که کشیک میدادند، سربازانی که فرسخها دور از شهر خود به خدمت وظیفه مشغول بودند، در این بین سعید هم بیدار بود. و یا بهتر آنکه خوابش نبرده بود. خستگی چشمها را آزار میدهد. خسته هستی. چنان خسته که پنداری اگر بگذارند ساعتها و شاید روزها را خواهی خوابید. ولی فکری که در مغزت میلود نمیگذارد که بخوابی. خواب را از تو میدزد و لجوجانه و سمج نمیگذارد که پلک روی پلک بگذاری و دمی آرام بگیری. چشمی گرم کنی و خستگی روزانه را از تنت بیرون کنی. اما خودت نمیگذاری که چنین شود. یعنی که نمیتوانی جلوی افکاری را که به مغزت بیرحمانه هجوم آورده‌اند. را بگیری. و این خود بیشتر خسته تر و کسل تر می‌کند. به اینطرف و آنطرف غلت میزنی تا بلکه بتوانی این فکر را از خودت دور کنی، ولی در هر حال با توست فکری که از آن تست، گرچه دیگران آنرا بتو تحمیل کرده‌اند. و تو ناچار از آنی که تحملش کنی تا اینکه خود همین هجوم افکار از پای در بیاوردت و خوابت کند و یا اینکه هوش ات را از تو بگیرد و بیهوش ات کند. تو اول تلاش میکنی که با آنچه مزاحم است، با آنچه که خواب را بر تو حرام کرده، مبارزه کنی و از خودت دورش سازی، ولی اوست که تو را در هر صورت رام میکند و سپس در هم میکوبد. و از خود بیخودت میکند. چنین حالی داشت سعید. آنچه که بر او گذشته بود یکدم آرامش نگذاشته بود.

حدود یکساعت بعد از رفتن امانگلدی، افسر ترکمن همان طوری که گفته بود، مسئول کل مرز ترکمنستان به همراه یکی از مسئولین حزب کمونیست در "قاری قالا" پیش او آمده بودند ملاقات در اطاق بغلی که اطاقی مرتبتر بود صورت گرفت.

مسئول مرزی مردی میانسال و روس بود. شخصی که از طرف حزب کمونیست آمده بود، مردی جا افتاده با موهایی جوگندمی و ترکمن بود. هر دو لباسهایی مرتب داشتند. درجهدار روس لباسی نظامی که درجه‌ها و نشانهای زیادی از آن آویزان بود، بتن داشت و مرد ترکمن کت و شلواوری مرتب بتن داشت.

درجهدار روس پشت میز روی صندلی چوبی نشسته بود و مرد ترکمن که خود را عوض محمد معرفی کرد روبروی او کنار دیوار روی صندلی دیگر نشسته بود. مرد ترکمن پس از معرفی خودش و درجهدار روس بطرح سئوالاتی پرداخت که عینا سئوالاتی بود که در پاسگاه مرزی از سعید شده بود و سعید همان جوابهایی را داد که قبلا داده بود. باز هم گفته بود که در رابطه با مسائل درون تشکیلاتی چیزی نمیتواند بگوید. درجهدار روس تلاش میکرد که سعید را قانع کند به اینکه او تمامی مسائل را

بگوید، ولی سعید بر اصول تشکیلاتی تکیه میکرد و از گفتن چیزی بیشتر از آن طفره میرفت. سرآخر درجهدار روس گوشی تلفن را برداشت و چند شماره را پی در پی گرفت و با کسی به روسی صحبت کرد و پس از چند لحظه گوشی تلفن را بسوی سعید دراز کرد و گفت که از رفقای مسئول سعید است و میخواهد با او صحبت کند. سعید گوشی تلفن را گرفت. فورا صاحب صدا را شناخت. چطور میتوانست او را نشناسد، همه بچه‌ها او را می‌شناختند

— سلام رفیق احمد، حالتان چگونه؟

— سلام، خیلی ممنون. ورودتان را به کشور شوراها به کشور لنین کبیر خوش آمد میگویم.

— خیلی متشکرم. تاکی باید اینجا باشم. الآن دو روزه که به اینجا آمده‌ام و همه اش توی یک اطاق کوچک اسیرم. کسی هم نیست که لااقل باهاش صحبت بکنم. فکر کردم که نکه شها مانو شناختن.

— بزودی کارهایت درست میشود و پیش بقیه بچه‌ها میایی. ولی سعید لان مطلبی بود که میخواستم برایت بگویم. اینکه رفقای شوروی هر سئوالی کردند برایشان بگو. رفقا بما منتقل میکنند. ما با رفقا در تماس نزدیک هستیم و با هم همکاری داریم. هیچ مسئله‌ای نیست.

— ولی رفیق احمد، اینها از مسائل درون تشکیلاتی می‌رسند. من که نمیتوانم راجع به این مسائل با اینها صحبت بکنم.

— همانطوری که گفتیم سعید جان، هیچ مسئله‌ای نیست. رفقا گزارش ترا بما منتقل میکنند.

پس از چند دقیقه صحبت و بحث سعید قانع نشد که همه مطالب را به مسئولین حزبی شوروی بگوید. سر آخر هم گفت:

— من همه چیزهایی را که میدانم کتا در اختیار شما میگذارم ولی بهیچ عنوان نمیتوانم این مطالب را نه تنها با رفقای شوروی که با هیچ یک از رفقای احزاب دیگر هر قدر هم که فعالیت و همکاری مشترک داشته باشیم، درمیان بگذارم.

بالاخره او را قانع کرد. او با سعید خداحافظی کرد و گفت که گوشی را به درجهدار روس بدهد. و او اینکار را کرد. اتفاق دیگری نیافتاد. نه افسر روس و نه مرد ترکمن دیگر اصراری نکردند و بگرمی از سعید خداحافظی کردند و گفتند که بزودی ترتیب انتقالش را پیش سایر دوستانش خواهند داد. بعد از آن سعید دوباره به اطاقش برگشت و روی تخت دراز کشید. و به آنچه که گذشت فکر کرد. "چرا باید رفقای شوروی از مسائل درون سازمان ما مطلع باشد؟ این اطلاعات به چه درد آنها می‌خورد؟ چرا باید... و این چراها بود که او را ناآرام ساخته بود و با آنکه پاسی از شب گذشته بود، خواب به چشمانش نمی‌آمد.

\* \* \* \* \*

صدای بلندگو بلند شد. احتمالا صدای رادیو بود. اینرا سعید

هم گفته بود که اگر بخواهد میتواند بیرون بیاید و قدم بزند.  
\* \* \* \* \*

از دیروز که امانگلدی از پیش اش رفته بود، تنها بود. البته دو سرباز روس بودند، ولی زبانشان را متوجه نمیشد. ولی بهرحال با زبان اشارهای با آنها صحبت کرده بود. یکی از آنها از او کرائین بود و دیگری تاتار. فقط توانسته بود اینرا از آنها بفهمد چیسز دیگری اگر می رسید آنها جواب میدادند:

— نی یونی مایو

و سعید حدس زد که این باید به معنی "نمی فهمم" باشد. حالا هم شام را با آنها با هم خورده بود و داشت به آنها بازی "اوج دوزوم" یاد میداد. سربازها از قبل این بازی را میدانستند این بود که بازیشان گرم شد. در این حین امانگلدی به همراه یک نفر دیگر آمدند.

— سلام سعید جان، این رجب قلی است و تو را تا شهری که دوستانت زندگی میکنند همراهی خواهد کرد.  
رجب قلی که لبخندی بر لبانش داشت گفت:

— سلام. امیدوارم که سفر خوبی با هم داشته باشیم. من بعد از حدود ۲ ساعت با ماشین می آیم. تا با هم به "قرزل آرات" برویم و از آنجا با قطار به "چارجو" خواهیم رفت. سفرمان حدود ۲۴ ساعت طول خواهد کشید.

پس از این صحبتها و آشنایی امانگلدی و رجب قلی رفتند.  
\* \* \* \* \*

پس از دو ساعت راه ماشین جلوی ایستگاه رام آهن ایستاد و سعید و رجب قلی از آن پیاده شدند. پس از خداحافظی از راننده با هم بطرف اطاق نگهبان ایستگاه رام آهن براه افتادند. رجب قلی به او گفته بود که بهتر است در آنجا منتظر آمدن قطار باشند. قطار حدودا یک ساعت بعد می آید. وارد اطاق نگهبان شدند. پیرمردی با موهای سفید و با عینکی ته استکانی پشت میزی نشسته بود. به دیدن آنها پیرمرد از جا برخاست و به احترام کلاه از سر برداشت و گفت:

— سلام. رجب قلی، خوش آمدید. آیا این همان مهمان ایرانیان است؟

— بله. اسمش سعید است. با هم آشنا شوید.

سعید جلو رفت و سلام کرد و دست داد. سپس بر روی

صندلیهای چوبی نشستند. پیرمرد برایشان چای ریخت.

— خوب، بگو ببینم از ایران چه خبر؟ وضع ترکمنها چطور است خمینی چکار میکند؟

پیرمرد اینرا گفت و خندید و دندانهای کرم خوردنش نمایان شد. سعید به جواب گفت:

— بد نیست. با بودن خمینی و حکومتش نه تنها ترکمنها که تمامی مردم ایران روز خوشی ندارند. همطاش زندان و شکنجه و کرائی و فقر است.

از لحن گوینده آن حدس زد. پادگان داشت از خواب بیدار میشد. هوا هنوز تاریک بود. پس از چندی همه هم سربازانی که تازه از خواب برخاسته بودند، بگوش رسید. در اطاق باز شد و سربازی با سینی وارد اطاق شد و آن را روی میز گذاشت.

صبحانه سعید متوجه شد که صبح شده و او هنوز نخوابیده است. این دومین شبی بود که بیخواب سیری کرد. اصلا در اطاق سعید شب و روزی وجود نداشت. چراتی که شبانه روز روشن بود مرز شب و روز را در هم شکسته بود و او تنها از پنجره کوچک اطاق شاهد تغییر شب و روز بود.  
\* \* \* \* \*

ساعت حدودا ۱۰ بود که امانگلدی وارد اطاق شد. درستش یک تخته شطرنج بود. پس از احوالپرسی از سعید پرسید که آیا او میتواند شطرنج بازی کند. و او جواب مثبت داده بود و نشسته بودند و با هم شطرنج بازی میکردند. افسر ترکمن در حین بازی به سعید گفت:  
— انشالله فردا شب قرار است که ترا به پیش بقیه دوستانت ببرند.

— راستی؟ چه خوب. دیگر داشتم از این تنهایی در این اطاق درسته خسته میشدم. دو روزه که بیرون را ندیدم. البته این چیز عجیبی نیست. بسیاری از رفقایم در ایران ماهها وسالهاست که بیرون زندانها روز روشن ندیده اند. آنچه که عجیب است، اینه که من در این کشور دوست، مهد سوسیالیسم چنین حالتی پیدا کردم.

— زیاد سخت نگیر. ما که نمیدانستیم تو کی هستی. اما حالا میتوانی اگر خواستی از اطاق بیرون بیایی و توی حیاط پادگان قدم بزنی. فردا شب هم که از اینجا میرنت. بازیات هم که بد نیست. مرا سرگرم صحبت کردی و داری ماتام میکنی.

افسر ترکمن وزیرش را از سمت چپ شاه به جلوی شاه حرکت داد و گفت:

— حالا نوبت تست.

— سعید اسبش را حرکت داد و گفت:

— کیش و مات. یک به هیچ بنفع ترکمن صحرا. جای فرار نداری.

امانگلدی متعجب راه چارهای می جست، ولی کاری نمیشد کرد. پس بهتر آن دید که دست سعید را بفشارد و از بازی خوبی که کرده بود تشکر کند.

— خوب، حالا یک چای سبز هندی می چسبد. من میروم دو

پیاله چای بیآورم تا با هم بخوریم.

پس از صرف چای، امانگلدی از سعید خداحافظی کرد و رفت در اطاق را باز گذاشته بودند. امانگلدی چیزهایی به روسی به سرباز گفته بود و او در اطاق را باز گذاشته بود. به سعید

## مسائل برنامه‌های :

دمکراسی، استقلال، آزادی، ترقی — اجتماعی، رفاه همگانی و ۰۰ از مقولات برنامه ای هستند که نیاز به تبیین درك مشخص از آنها بطور محسوسی وجود دارد.

ارائه درك مشخص از موضوع و چگونگی کاربری آن چه امروز و چه در آینده از مسائل اصلی برنامه است. همچنین مسئله استقلال، که این موضوع نیز بدون ارتباط با امر دمکراسی نیست. امروزه درکهای متفاوتی نیز از مقوله ارائه میشود از جمله برخی استقلال ملی را به معنای خودمختاری و یا حکومت فدرالی در چارچوب ایران میدانند بعضا به معنای ایجاد يك کشور مستقل با دولت مستقل می‌فهمند. برخی نیز استراتژی ایجاد ترکمنستان بزرگ و واحد را از مقوله استقلال تعقیب میکنند. اینک که کدامیک از این درکها واقعی‌تر و درست‌تر است اهمیت بررسی و تامل در باب این موضوع را بیش از پیش می‌افزاید.

فرهنگی:

مسئله فرهنگی به اعتبار ستم فرهنگی عربان بر ملت ترکمن جای ویژه دارد که هم در بحثهای برنامه‌ای می‌گنجد و هم

زبان ترکمنی عاجزیم. از نقطه نظر گرامری و ساختمان زبانی جهت تدریس و آموزش برای کودکان و ۰۰ محدودیتهای فوق‌العاده جدی داریم و دهها مشکل دیگر. چگونه میخواهیم بر این مشکلات غلبه کنیم؟

امکانات بزرگی نیز البته وجود دارد، در ترکمنستان شمالی کار قابل توجهی در این عرصه صورت گرفته است. میتوان از آن سود جست، ولی توجه به تفاوتها و ویژگیهای معینی که در طول ۱۱۰ سال بوجود آمده نیز یکی از مشکلات است. همچنین استفاده و کک از دیگر جمهوری ترک زبان در این راستا یکی دیگر از امکانات میباشد.

اشکال مبارزاتی:

اشکال مبارزاتی هر چند که رابطه نزدیک با مشی سیاسی يك جریان دارد ولی بنوبه خود دارای استقلال معین است که بایستی درکهای معین، شیوهها و اشکال مشخص بویژه در رابطه با شیوه قهرآمیز مبارزه در این رابطه را توضیح داد و موضع خود را بدان مشخص کرد.

بهمن ماه ۱۳۷۰

ارمان

میتوان بطور مستقل آنرا مورد توجه قرار داد. این توجه خودبویژه ناشی از اهمیت آن است.

در رابطه با مسئله فرهنگی یکی از مهمترین موضوعات در رابطه با ادبیات و هنر ترکمنی است که چگونه میتوان آنرا از این رخوت و سستی و خمودی بیرون آورد. علاوه بر این مسئله احیا و شناخت فرهنگ غنی و میراثهای ادبی ترکمنی است.

زبان و القبای ترکمنی:

مسئله زبان که ارتباط تنگاتنگ و جدا نشدنی با فرهنگ دارد ولی مقوله واحدی را تشکیل نمیدهد. توجه مستقل به امر زبان ترکمن امروز يك امر کلیدی و کاملاً حیاتی است. زبان ترکمنی طی قرون و اعصار قتمادی و تحت تهاجمات فرهنگی توانسته است خود را حفظ نماید و بعنوان یکی از مظاهر مقاومت ترکمنها، دارای خصوصیات يك زبان زنده میباشد. ولی در اثر فشارهای سیاسی نتوانسته است پیوند طبیعی خود را با مسئله فرهنگ حفظ نماید و رشد طبیعی داشته باشد. امروز ما از نقطه نظر کتابت و الفبا کمبودی جدی داریم. از نقطه نظر جمع بست پروسه تحولات

## چند خبر

ج ۱۰ در کمیسیون حقوق بشر:

۲۷ ژانویه سالجاری میلادی در حیرت افکار مرقی و دمکراتیک داخلی و خارجی اعلام گردید که نماینده ج ۱۰ در کمیسیون حقوق بشر بعنوان معاون آسیایی این کمیسیون پذیرفته شد.

این تصمیم در شرایطی اتخاذ میشود که سازمان عفو بین‌الملل و کمیسیون حقوق بشر این سازمان چند بار ج ۱۰ را بخاطر نقض حقوق بشر محکوم ساخته و از آن انتقاد کرده‌اند. ج ۱۰ به هیچیک از انتقادات و فشارهای بین‌المللی واقعی ننهاد و همچنان به سیاست ترور و وحشت خود ادامه میدهد. دامنه سیاستهای تروریستی

تشکیل میدهند. در جلسه مزبور — پشبرد اهداف اقتصادی تاکید شد، و قرار شد تعرفه‌های گمرکی میان کشورهای "اکو" کاسته شده و از بین برود.

سازمان کشورهای حاشیه دریای خزر: سازمان منطقه‌ای تازه‌ای بنام "سازمان کشورهای حاشیه دریای خزر" تشکیل گردید. اعضای این سازمان را آذربایجان ایران، ترکمنستان و فدراسیون روسیه تشکیل میدهند. اعضای این سازمان نو بنیاد در زمینه‌های کشتیرانی، شیلات و نفت همکاری خواهند کرد. اساسنامه این سازمان در جلسه آتی آن که در یک ماه آینده در تهران تشکیل خواهد شد، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ج ۱۰ از مرزهای داخلی فراتر رفته و ابعاد بین‌المللی دارد. بر هیچکس پوشیده نیست ترور سیاستمداران و فعالین اپوزیسیون در خارج کشور، فتوی قتل سلمان رشدی نویسنده و تعیین جایزه ۲ میلیون دلاری برای قتل او توسط حکام ج ۱۰ تنها نمونه‌هایی از سیاست تروریستی ج ۱۰ است.

پنج عضو جدید "اکو":

اجلاس سران سازمان منطقه‌ای "اکو" روز یکشنبه ۱۶ فوریه در تهران برگزار گردید. این سازمان در چارچوب همکاریهای اقتصادی فعالیت میکند، از سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان تشکیل شده بود ولی طی جلسه تهران ۵ عضو جدید به این سازمان پیوستند. جمهوریهای — استقلال آسیای میانه از جمله جمهوری ترکمنستان اعضای جدید این "اکو" را



چئلشئرنملی، کۆپ طاراپلی هم - ده بای دئثر - تورکمن حالقی نئنگ مدنیتمینی، ماددی و روحی کسپینی دوغری تاناماق اوچین بولسا، اونونگ اوزاق کچپیشینی و اتتوگرافیک دوزومینی دوغری چئل اوورمنمک کمرکدیر.

شوگونه چنلی عومومی تورک دیلی حالقلارننگ و شول ساندا تورکملرننگ آتا- بابالاری حاسابلانیان قوملارننگ بیرتوپاری نئنگ آدلاری و اوج مونگ (۲۰۰۰) یئلدان آرتئق تاریخی، اثنتبارلی و اینگار ادیب بولماچاق یاغداپدا آنتقلانئدئثر. بو قوملاردان تورکمن حالقی نئنگ شوگونکی اتتوگرافیک دوزومینده غالئندئلاری نئنگ بارلارئندان، اوغوزلاردان باشنا شو آشانداقی لاری آتماق بولار:

ساکار (اسکیت لر)، پارلار (پارت لار، یارقیانلار)، هونلار (افنالیت لار، آبدال لار)، داغ لار (دای لار) ۰۰۰  
بو قوملارننگ بیزینگ حالقی نئنگ شوگونکی اتتوگرافیک دوزومینده بارلئغئنی و بیر توپار تیره - طایپالارننگ کۆی - کۆنی شولارننگ - غالئندئلاری دئغئنی بولسا، س. آتانایزوف اۆزی نینگ اورس دیلینده یازان، "تورکمن حالقی نئنگ اتتوگرافیک سۆزلۆکی" آئنداقی کیتابئندا، "رادلف"، "وامبری"، "جیکی اوف"، "غاری اوف" و "بارتولد" پالی عالئم لارا سالغی لائیب ثبوت ادیب دیر. (۳)

"بیزینگ تاریخدان اونگکی دوویرلرداکی"

آتا - بابالاری منز

"أنو"

"دونیا مدنیتمینی نینگ ایلکینجی اوجاقلاری نئنگ اولوسی بولمالی"

دونیا مدنیتم اوجاقلاری حاقدا کوررونک کچنده، عادات بویونچا، یاقین - گوندو غاردان (سومرلر، اکهدلر، ایلام لار ۰۰۰)، خئتایدان، میصردن، هیندیستاندان و یونان دان، ایلکینجی اوجاقلار اورتوندا آد توتولیاردی. امضا تایخ علمئ نئنگ کینگی شلیکینده تازه - تازه حاقیقاتلارننگ یوزه چئقماغی نتیجیمینده، عالئم لارننگ آراسئندا تازه پیکرلر و غارایشلار دؤر آب باشلایار و دورموشونگ دیالکتیکی قانونی، تاریخی حاقیقات دیبیلیانی هم اوزگرتیار. بو اوزگریشه سباب بولان ذتلارننگ اینگ اساسی لاری نئنگ بیری دده، شوروی آرختولولک لاری نئنگ سونگکی دوویرلرداکی دن آچئشلاری دئثر. بو آچئشلارننگ اهمیتملی لری نینگ بیری بولسا، بر یوزونده اینگ قادیمی و عاجایب مدنیتم اوجاقلارنئندان بولان، تورکمنستانداقی "أنو" - مدنیتمینی بیزه چئقماغی دی. بو بارادا، "تورکمن - سوومت انسیکلو - پدیاسی" نئنگ ۸نجی جیلدی نینگ ۲۸نجی صاحیبانئندا شیله کوررونک کیدیار: "سکگیز مونگ یئل موندان اوزال یاقین گوندو غار یورتله رینده (سومرلرننگ یاشان برلرینده م) و گون - اورتا تورکمنیستاندا (پاسی دپه، آلتئن دپه، ایکی دپه، نامازادپه) قادیمی اکرانچی لئغئنگ و مالدارچئلئغئنگ مدنیتمینی یابان دوورینده، بر شاری نئنگ باشنا اوبلاستلارنئندا انتنگ قادیمی اوجئلارننگ ساداجا خوجالئغی دووام ادیار. یوقاردا آدی کچمن یورتلرده، اکرانچی لار اوتورملاشئب، اولارننگ ایلکینجی اوبالاری یصیدا بولیار. شول اوبالاردا، هر بیر خوجالئق اوز -

باشداق بولوب بیر اوطاغلی جایلاردا یاشایارلار.  
بیزینگ ارامیزدن (میلاددان م) اونگ ۵مونگ یئلئغئنگ آخئرئندا، تورکمنیستانننگ ترتیور یاسئنا (چاگیننده م) یاشان آداملار میس، آلتئن، بیزینگ ارامیزدان ۲ مونگ یئلئنگ باشلارنئندا بولسا بورونج غازئب آلماعی هم ده اونی ایشلاب بجممکی اوورنئیدیرلر. میس بیلن بورونجینگ بیزه چئقماغی حاس چئلشئرنمسی: ایش

غورالارننگ (آزالئنگ، دو قماچئلئق انجالملاری نئنگ و ش. م) یابراماغئنا یاردام ادیب دیر. ۰۰۰"

بو یرده یاشاب کچمن و دونیا مدنیتمینی نینگ دو بیونی توتوجلار بولان شول قوملار بیلن شوگونکی تورکملرننگ آراسئنداقی اتتوگرافیک آرا - باغلانئغنی بارادا، "ن. رسلیاکف" اۆزی نینگ "تورکمن حالقی نئنگ کلیب - چئقئغی" دیمن کیتابچاسئندا شیله یازیار:

"۰۰۰ بیز شوگون شول قادیمی طایپالارننگ آدلارنی بیلیم یاریس. تورکملرننگ اینگ قادیمی آتا - بابالاری - دا شولار بولمالی. ائوونگ قادیمی اوبالارنئندان، عالئم لارننگ غازو ایشلمی نینگ نتیجیمینده تاپئلان، کلله سونگکری نینگ (کلله چاناغی نئنگ) شوگونکی تورکملرننگ بیلن منکره شلیکی اؤرآن غئرئقئلی دئثر." (۴)

"أنوو" مدنیتمینی تورکیه و ایران عالئم لاری نئنگ هم اونسونی کینگدن اوزونه چکییدیر. اولارننگ کابیرلریندن مئثال کتیرمک اؤرآن غئرئقئلی - دئثر. "دوچ. دوکتور آتیل چمچن" شیله یازیار:

"۰۰۰ ایلکی - تورک مدنیتمینی صوراتلاندئریان دئغنی ثبوت ادیلن ائوو، شوگونکی تورکمنیستانننگ پایتاختی عاشغاباد شاهمیری نینگ توومرکینده ایلکینجی مدنیتم غاتلاقلارنا دکیشی بولان آلتی مونگ یئلئق کچمیشی کورکزیار. ائوو مدنیتمینی نینگ دوردونجی غاتی بولسا، میلاد یئللارنا (بیزینگ ارامیزینگ باشلارنا) دوغری کلیار. تاریخی لار عوموما اورتا - آسیا کولتور تاریخنئی "أنوو" مدنیتم غاتلاقلاری نئنگ اساسئندا دوزماگه و ایکی مونگونج یئللاردا بو غاتلاقلار بیلن درنکاب یازماغا چالئشارلار." (۵)

گهل تاریخ (عومومی تاریخ) کیتابی نئنگ بیرینجی جیلدینده شیله کلیار:

"أنوو ده تاپئلان غالئندئلار، ائناسانلارننگ ایلکینجی مدنیتملری حاقدا اویلانماغا اؤرآن اهمیتملی دیر. البتته، بو یرده یاقئلان جسملری اوز ایچینه آلیان آشاقی غاتلاغئنگ اوستونده تاپئلان توغلاق کلله سونگکری نینگ بوگونکی تورکملرننگ، یا - دا کرامیک ناغئشلاری نئنگ موتوبوی بوگونکی تورکمن ال ایشلمرینده کورلییان ناغئشلارا منکرش بولماعی بیلن، ائوو مدنیتمینی دورمدرلرننگ دینگه تورک بولاندئغئنی دولی ثبوت ادیب بولماسادا بو مدنیتمینگ بیر آریان قومئ نئنگ ائوومی دیبیب باها برماگه - ده یوقارداقی ماتریاللار هیچ هیلی مومکینچیلیک برمیار." (۶)

"تورکریننگ و تورکیانینگ تایخی انسیکلوپدیاسی" آدلی ائه رینگ بیرینجی جیلدی نینگ ۷۲-۷۱نجی صاحیبالارنئندا دا شیله یازئلئبدئثر: "آرختولولک بارلاغلار، ائوو (بوگونکی تورکمنیستان پایتاختی عاشغاباد شاهمیری نینگ توومرکینده) خارابالارنئندا کچیریلن غازولاردا، اینگ آشاقی غاتلاغی بیزینگ ارامیزدن (میلاددان) اونگکی ۴۵۰۰ یئلئق کچمیشه دمکیشلی بولان کولتوری بیزه چئقاردی. دوردونجی غاتی بولسا، میلاددان اونگکی بیرینجی یوز ییلا کلیب بتیار. ائوو تاپئلندلاری بو یوردینگ آدامزاد دؤراندن باری اؤرآن اهمیتملی مدنیتم اوجاغی بولاندئغئنی آچئلقلار و ایچینده بوگونکی تورکمن دو قما صونغاتئندا کورونیان ناغئشلار بیلن برلن کرامیکی بۆلک لری نینگ و بزهگ شایلاری نئنگ بولماعی اؤرآن غئرئقئلی دئثر." دیمنک، بوگونه چنلی بیزه چئقان اینگار ادیب بولماچاق حاقیقاتلارا گؤرأ، تورکمن تویراغی دونیا مدنیتمینی نینگ اینگ غادیمی کوزباشی بولوبدئثر و بر یوزوندکی اینگ بای و غادیمی مدنیتملر بیزینگ آتا - بابا - لاری مئزننگ یاشان برلریندن اوغور آلب غایدئبدئثر. شول عاجایب - مدنیتمینی دورمدرلر بیزینگ آتا - بابالاری مئزننگ بیر پوداغی دئثر دیماگه - کورشمیز پالی، کون ساین، آرتیان و آیدئنگلاشدئریان ماددی اساللار باردئثر - ائوو دن بین النهرینه ساری -

اؤوو مدنیتمینی نینگ ایزی سوره، بین النهرینه (دجله و فرات دریا -

بو پیکرینگ آرخولوگیك و فیلولوگیك باقئمدان بیر توپار منكرمشلیك لرینگ و باغلانشقلارننگ بولماغسیننگ تأثری آستئندا یوزه چقماغی اورآن طینیئدر... (۷) یوقاردا آدی چکیلن انسیکوپدیائنگ ینه بیر برینده، بو مصطه شمیله ایزارلانیار:

"...مشهور سومری اوورینیچی "س.ن.کرار" - ده سومرلرینگ بینالنهرینه میلاددان اونگی دوردونجی مونگ بیلینگ ایکینجی یارمئندا کله بولماقلارینی و آتایورتلرینین تیرمیدیکینی تگ بللی ادیلمدیگینی یاتلایار. اونونگ ائناهنئا کورأ، "ان مرکا" و "آراتتا" حاقدا کوررونگ کچیان، اپوتیک اورولاردان کسکیئلصنپ بولجاقئئغئنا اسالانئب، بلکی خاازار توومرگینده غورالان شاهمر- دؤولتی بیلن سئق باغلانشقدا و غاتاشقدا بولاندئر دییمک بولار. بللی مؤچیرده اورال - آلتای دیلترینی حاقئدانا کتیریان سومر دیلی- ده غوروم (استراکتورا) باقئمنئدان بیر ایلتیماقی ( دیلیدیر. بو دیل حادپئاسی- دا، " آراتتا " دسانئ، یالی عدیل شول یورت کینگیشلیگینه (خاازار توومرگینه: م.) اشارات ادیار... (۸)

یوقاردا آدی چکیلن انسیکوپدیادا و بیلمکی چشمطرده کورنوشینه کورأ، بیزینگ ازامئردان (میلاددان) اونگی ۳۵۰۰نجی یئللارا دگیشلئی تاپئلان مجیدینگ آدی هم "آنو" دییب اوقالئیدئر. تورکمینئنادا قی "آنو" سوزی هم کالئلار "آنو" کورنوشده یازئیدئرلار. فرات (فرات) دریاسیننگ بویوندا بزلئشئن مشهور سومر شاهمری نینگ آدی - دا، "اوروک"، "ارک"، "آرخ" کورنوشلرینده یازئلئیدئر. "بزی بار"

...لاری نئنگ آرالئئئندا ( آدمزاد تاریخیننگ بای مدنیهتی سومرلر (سوومرلر) طاراپئندان دوزمدیلیدیر. تاریخ عظمئیننگ اوسمکی و بایلاشماسی بیلن "سوومر" و "آنو" مدنیهتلری نینگ آراسئنداقی باغلانشق لار و غاتاشق لار نئنگ، سوومرلر بیلن بیزینگ ایرکی آتا- بابالاری مئزئنگ غارئنداشلئنی نئنگ اوستی آچئلئب باشلایار.

کلینگ بو عاجیب مسئلنی کأبیر اساسی چشمطره سالئلانما نئنگ اوستی بیلن ایزارلایئلگ: "تورک انسیکوپدیاسی" آئنداقی اورآن عظمی و قئماتلی اثرده سومرلر حاقدا کوررونگ کچنده بیزینگ مسئلیمزه دگیشلی شیله پیکرلر اونگه سورولیار: "کوندوغار مزوپوتامادا (بینالنهرینه) کچیریلن آرخولوگیك درنکولره، ائلاپتا- دا "اوروک" خارا باسئندا کسکیئلمن کولتور غاتلاقلاری بیلن باشغادا آیری - آیری غازو مرکز لرینده بولار دنگمدیریلپ اله کتیریلن ماغولوماتلارا کورأ، سومرلرینگ بینالنهرینینگ برلی حالقی بولجاقئئغئنی کورکزیار... سومرلرینگ کوندوغار بینالنهرینه اوروک غاتلاغسیننگ سونگلارئا دوغری کلیان زامانلاردا کؤچوب کلئدیگکری ننگ آچئق دلایللری نینگ بارلئغئنی آیتاق بولار. باشئا بیر طاراپدان بولسا، "بنولاندس برکر" ننگ دوشونشینه کورأ، آئلئندا بیر هجالی (بیر سیلابی) کاراکتری بولان سومر دیلینه، اولار - بینالنهرینه کؤچوب کلنلریندن سونرا، بیر توپار ایرکی و اوندان هم آرتئق سیلابی و سومرجه دن دویدن پارخلی بولان بر آدلاری بیلن ایش آدلاری و باشغادا مدنی سوزلر کوییدیر... بو آرخولوگیك دلایللر، ه. فرانکفور باشئلقلاین کأبیر عالئلار نئنگ سومرلر "العوبید" زامانئندان باری کوندوغار بینالنهرینه بولاندئقلاری باراداقی پیکرلری نینگ دوغری چقماقئنا مومکین - چیلک برمه یار. سومرلرینگ عوموما "کوندوغاردان" کلئدیگکری ائقرار ادیلدی.

و اینگونه...

از این دنیا رفت و... صحبت و درددل پیرمرد با سعید تا آمدن قطار ادامه داشت و او از خاطراتی که داشت، از زمان بسته شدن مرز بین ترکمن صحرا و ترکمنستان برای سعید تعریف کرد. سعید و پیرمرد بگرمی از هم خداحافظی کردند. پیرمرد برای سعید آرزوی موفقیت کرد و گفت که به دوستانش سلام برساند. خیلی از بچهها را دیده بود ولی نامهایشان را بیاد نداشت. سعید بهرراه رجب قلی سوار قطار شدند. کویهش دارای چهار تخت بود. ولی غیر از آن دو نفر کس دیگری داخل کویه نبود. رجب قلی گفت که ساعت هفت صبح قطار به عشق آباد خواهد رسید و نیم ساعت در آنجا توقف دارد. و گفت: - عشق آباد شهر خیلی قشنگی است. اگر صبح بیدار شدی من را هم بیدار کن تا همان اطراف ایستگاه راه آهن را بگردیم قطار سوتی کشید و در تاریکی شب بر راه افتاد. شیرلی ادامه دارد.

- (۱) - البسته "تورکمن" آدی نئنگ دوزمئکی خاص قادیمی راق دووبیرلره دگیشلیدیگی حاقدا، خئتای غایناقلارئندا و شونونگ یالی دا ماحمئد (محمود) کاشغاری نئنگ "دیوان اللغت الترق" آدلی اثرینده فاکتلار بار.
- (۲) - اوغوزلار (تورکمنلر)، پروفور فاروق سومر، ۳نجی چاپ، ۱۹۸۰ استامبول.
- (۳) - تورکمن حالقئیننگ اتئوگرافیک سوزلوکی- س. آتانیازوف، عاشغاباد ۱۹۸۸ بو بارادا: "سووت تورکمینئسانی تاریخیننگ" بیرینجی و "تورکمینئستان انسیکوپدیاسی نئنگ" ۸نجی جیلد لرینده و ناظار غوللانئنگ "کؤنمن غالان نوسخالار" آدلی کیتابئندا - دا کؤپ ماغولوماتلار بار.
- (۴) - بو اثری تورکمن عالئلاری نئنگ بیرناچمئیننگ دوغری بولان پیکرینه کورأ، نأدوغری غارایش بیلن یازئلئیدئر. اوندان تورکمنلری و عومومی تورکملری مدنیهتسئز قوملار کسبینه صوراتلاندئرماغا و بار بولان مدنیهتلری بولسا، باشغا قوملار نئنگ (آریانلار نئنگ) حاسابئنا کچیرماگه چالئشئیدئر. اما شیله بولسا، کأبیر حاقئقائلاری ائقرار ائتماگه مجبور بولوبدئر. بیز بو حاقئقائلارئا دوغری و عادلالتی نتیجه چقارماق اوچین بو اثردن هم فاکت کتیردیک. (دانگ آتار)
- (۵) - "دوج" دوکتور آئیل چمچن - تورک دوولتئری - آنکارا ۱۹۸۶
- (۶) - گئسل تاریخ - عیمصت پارماقئئز اوغلی و یاشار چانلایان - آنکارا ۱۹۷۶ صاحبسا ۲۹۶
- (۷ و ۸) - تورک انسیکوپدیاسی اوتوزونجی جیلد ۱۱۹-۱۱۵نجی صاحبیلار.

"يىنگىش اۋچىن مىنگ ايما نىم  
كانه لىر"

سىنام اۋزى سانسىزىا رابۇلسا - دا  
يىنگىش اۋچىن مىنگ ايما نىم كانه لىر  
عادالات اۋلمه يار عادىل اۋلسه - ده  
مونى آيدان پارا ساتلى بابالار  
يىنگىش اۋچىن مىنگ ايما نىم كانه لىر

يىنگىش اۋچىن مىنگ ايما نىم كانه لىر  
دورموش بىلن دىنگىجە قىم اوريارىن  
يىئىلسام - دا ، آتئىلسام - دا كانه لىر  
غالجا غىمى ، گۈلجە گىمى بىلىرىن  
دورموش بىلن دىنگىجە قىم اوريارىن

بىلند - بىلند ما قىما دلارا يىتما گە  
اىلىمىنگ گۈيىچىنە دا يانيارىن من  
مانگا يول گۈركىزەن انە دىر آتا  
سېلىنگ گۈيىچى دىلەن اۋپت قىدرا تا  
اىلىمىنگ گۈيىچىنە دا يانيارىن من

ھىچاق دىملىگىمى بوغاندا دومان  
اللىرىمى يۈرە گىمدە غۇيىارىن  
اوريارىۋرەك اۋندا بارمى بى گمان  
داشدا ن ما كام يومروغىمى دۇويارىن  
اللىرىمى يۈرە گىمدە غۇيىارىن

آزادلىغى بايداق ادىب دىپامدە  
بوتىن حالقىم بىلن اۋنگە يۈريارىن  
غۇچا قىلارمىنگ گۈرە چىرنە با قامدا  
شانلى يىنگىش شىلە سىنى گۈريارىن  
بوتىن حالقىم بىلن اۋنگە يۈريارىن